

بسمه تعالی

مقدمه: استراتژی معاملاتی با بیشترین احتمال موفقیت

شاید برای افراد تازه وارد که معمولاً هم با انتظارات بالایی وارد بازار فارکس شده اند، شنیدن جمله "معامله در بازار فارکس نوعی قمار است"، یکی از تلخ ترین و مایوس کننده ترین جملاتی باشد که خیلی سریع آنها را به واکنش و جبهه گیری وادار میکند. ولی در گذر زمان افراد متوجه میشوند که معامله در بازار فارکس بسیار بدتر از قمار عمل میکند.

توهم قابل پیشبینی بودن بازار همیشه در کمین فعالین بازار سرمایه می باشد و وجود اهرم در معامله، ازدهای کشنده طمع درون افراد را بیدار میکند و از همه مهمتر اینکه افراد در معاملات ضررده معمولاً به علت مسایل روانی و نداشتن برنامه معاملاتی منسجم تمام سرمایه خود را در معرض خطر قرار میدهند ولی در هنگام سود به سودهای کم قانع میشوند و این مساله ای است که در شرط بندی کمتر مشاهده میشود.

بدون شك **تنها راه موفقیت** مستمر در بازار استفاده از معاملات با احتمال موفقیت بالاتر میباشد و در این میان مدیریت سرمایه، با کمک به کنترل احساسات و هیجانات و گرفتن تصمیمات به دور از هیجان و همچنین دادن فرصت برای جبران معاملات ضررده و یا اشتباهات انسانی، مهمترین عامل تثبیت موفقیت های يك معامله گر می باشد. همچنین داشتن ذهنی آماده و اعصاب و روانی قوی و نداشتن انتظارات بالا از معامله گری و داشتن صبر و حوصله از مهمترین مسایل تاثیر گذار در عملکرد يك شخص است.

احتمال سود و یا زیان در يك موقعیت معاملاتی توسط دو عامل مهم تعیین میشود ۱- احتمال خوردن TP و یا SL ۲- مقدار و اندازه هر کدام

همانطور که میدانیم علم تکنیکال در شناسایی موقعیت های محتمل تر به ما کمک میکند و انتخاب موقعیتهای با اندازه TP بزرگتر از SL، از خصوصیات يك استراتژی معاملاتیست که میتواند در نهایت منجر به برآیند مثبت شود.

استراتژی ۱-۲-۳ با فراهم کردن موقعیت های با ریسک به ریوارد بسیار مناسب و الگوی ۲B با احتمال بالای برخورد با TP، امکان استفاده به صورت مکمل یکدیگر در موقعیت های مشابه را دارا هستند.

تمرکز اصلی این سیستم بر روی الگوهای ۱-۲-۳ و ۲B به همراه پین بارهای (Shooting Star, Hammer) و یا بدون آنها میباشد که با قرار دادن این دو الگو کنار هم، یک سیستم جامع و با بازدهی بالا بدست می آید.

در اینجا سعی شده است با تشریح یک پلن جامع و دقیق معاملاتی امکان ترید گروهی برای دوستان فراهم شود. تا در یک حرکت گروهی توانایی تشخیص الگوهای مورد نظر را در جفت های بالاتری داشته باشیم و علاوه بر آن نظرات خود را در کلیت آن جفت ارز از دید تایم بالاتر، شمارش الیوت و یا موارد احتمالی دیگر به اشتراک بگذاریم.

همانطور که اشاره شد از خصوصیات این روش، نسبت ریسک به ریوارد مناسب و احتمال بالای موفقیت در برخورد با نقطه TP می باشد. برای بالا بردن احتمال برخورد با TP میتوان تنها نقطه TP₁ را در نظر گرفت. پس از شناسایی این الگوها و کسب سود مرحله یک، میتوانیم نمودار را به منظور کسب سود در مرحله بعد نیز در نظر بگیریم.

از دیگر نکات مثبت این روش فراوانی بالای این الگوها در نمودارها می باشد، و با شناسایی موقعیت های خاص این روش، ما میتوانیم به یکی از دو روش وارد بازار شویم.

همچنین در این روش در صورت برخورد با حد ضرر میتوان وارد پوزیشن معکوس شد، این مساله خود حاکی از قدرت بالای سیستم مورد نظر می باشد. ترجیحا هنگام خوردن استاپ در روش ۲B وارد پوزیشن معکوس نمیشویم و تنها در روش ۱-۲-۳ با خوردن استاپ پوزیشن معکوس میگیریم.

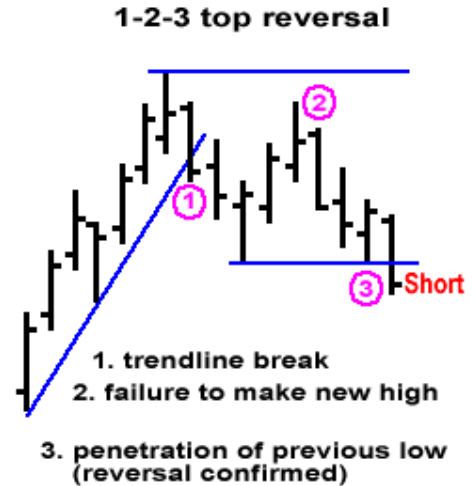
روشی 1-2-3: میدانیم بعد از شکست خط روند احتمال گذشتن قیمت از کف یا سقف قبل از خط روند پایین می آید و ما میتوانیم با نزدیک شدن به اکستریم قبلی هنگام پولبک به خط روند وارد پوزیشن شویم.

استراتژی های ورود و خروج و حتی نحوه شمارش ۱ و ۲ و ۳ در مراجع مختلف که به این روش اشاره شده متفاوت است. همانطور که در شکل مشاهده میشود گروهی به روش A با شکست حمایت وارد پوزیشن میشوند و گروهی به روش B با پولبک به خط روند وارد میشوند، عده ای هم به روش B شمارش کرده اما به روش A وارد پوزیشن میشوند!

روش A به نظر اینجانب در زمانهایی که بازار ریتریس اندکی داشته و ما فرصت ورود در پولبک را از دست داده ایم بسیار مناسب می باشد. اما روش اصلی ما در واقع روش B است.

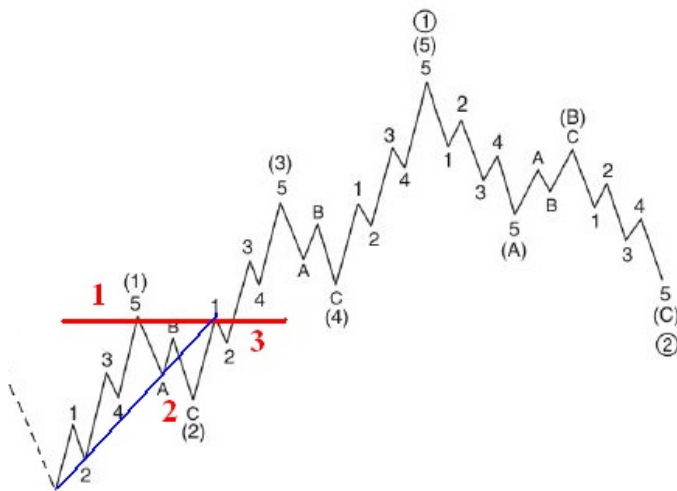


روش B



روش A

برای قرار دادن استاپ لاس به این صورت عمل میکنیم که چند کندل صبر میکنیم و به عکس العمل قیمت توجه میکنیم بعد از دیدن عکس العمل قیمت به اکس‌ترم قبلی ما میتوانیم استاپ خود را بالای اکس‌ترم قبل از خط روند قرار دهیم.

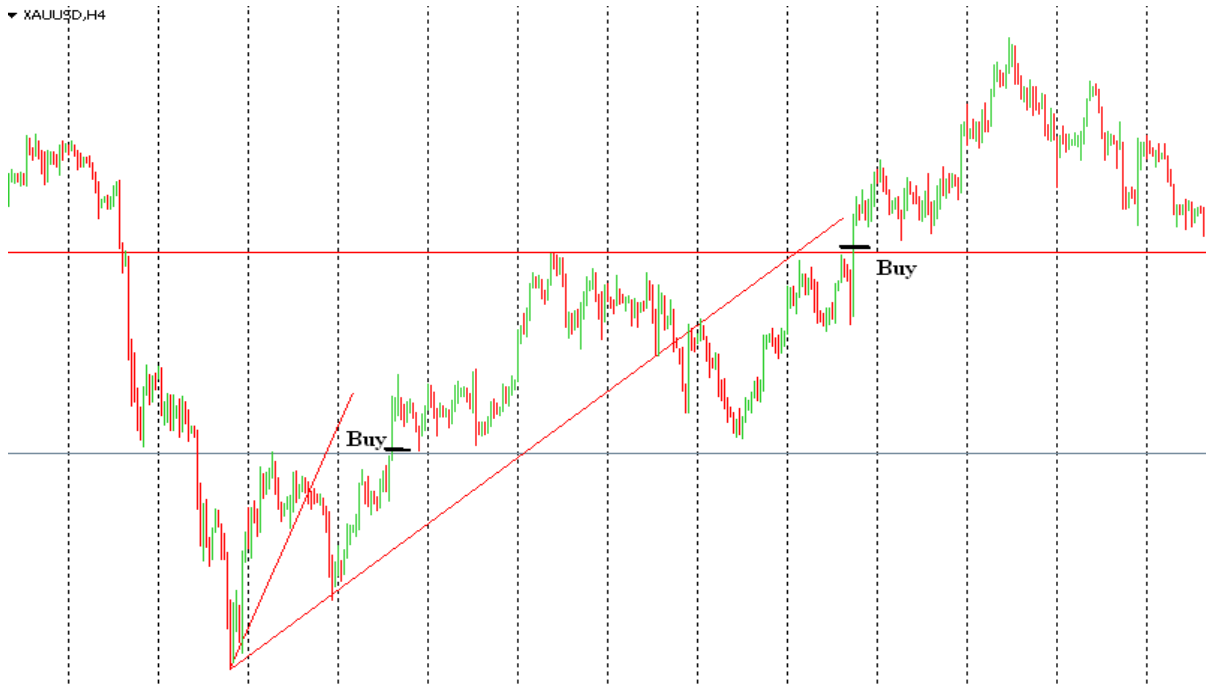


این صبر به این علت است که در صورت گذشتن بدون تعلل این فرصت برای ما وجود خواهد داشت که TP خود را به نقطه ورود پوزیشن منتقل کنیم و یا با ضرر کم ببندیم و سپس منتظر ورود با الگوی 2B شویم.

فاصله بین ورود در پولبک و 1 که اندازه SL ما را تشکیل میدهد در بیشتر اوقات بسیار کوچک می باشد و حتی پس از مدتی میتوانیم پوزیشن خود را ریسکفری نماییم و این مساله ریسک به ریوارد ما را بسیار بهبود میبخشد.

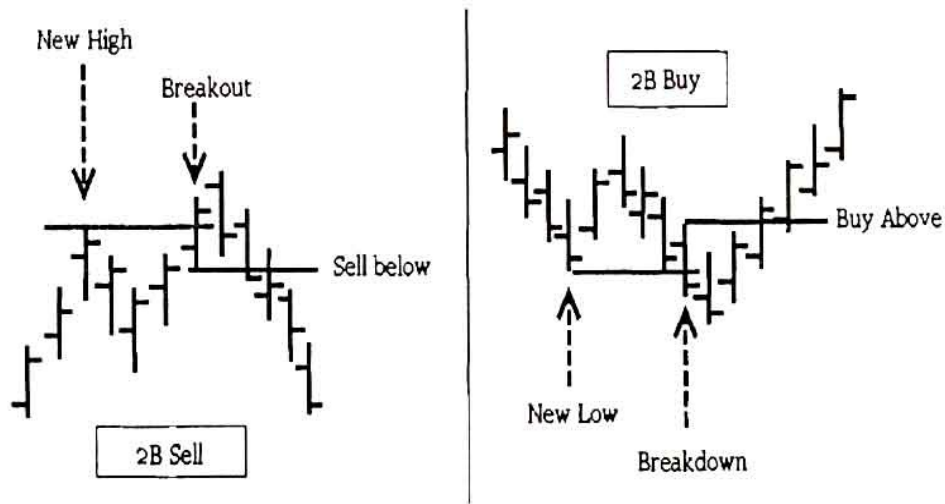
در صورت مشاهده عکس العمل بازار به اکس‌ترم یاد شده می توانیم SL خود را، بعلاوه پوزیشن پندینگ ورود در جهت معکوس را آنسوی اکس‌ترم قرار دهیم. معمولاً در هنگام شکست موج يك اليوت، با شکست فراکتال تشکیل شده (ریز موج 1 از 3) بازار متوجه شروع موج جدید میشود و ما میتوانیم در جهت عکس وارد بازار

شویم. هنگام ورود در پوزیشن معکوس نیز، میتوان SL خود را پایین تر از کندل شکست (طبق ۲B) و یا پایین فراکتال قرار داد.



همانطور که اشاره شد وقتی که قیمت بدون تشکیل فراکتال از سقف قبلی گذشت ما وارد پوزیشن معکوس نمیشویم و استاپ هم قرار نمیدهیم. بلکه در صورت نزدیک بودن خط روند مانند شکل روبرو، میتوانیم سود متعارف خود را از بازار گرفته و یا پوزیشن را در نقطه ورود ببندیم و سپس در صورت تحقق شرایط با روش ۲B وارد شویم.

الگوی 2B: از جمله الگوهای قدرتمند بازگشتی است. وقتی در یک روند صعودی، قیمت از سقف قبلی عبور کند و پس از مدت کوتاهی به زیر نقطه حداکثر قبلی سقوط نماید، روند آماده بازگشت می شود.



اولین کندل که اکستریم قبلی را شکسته و در آنسوی قیمت کف یا سقف قبلی بسته می شود را کندل شکست میگویند. در صورتی که به امید شکست اکستریم قبلی (Fail شدن ورود با ۱-۲-۳) وارد بازار شده اید آنسوی کندل شکست میتواند محل مناسبی برای قرار دادن SL شما باشد و همچنین طبق الگوی 2B در این نقطه میتوانید وارد پوزیشن شوید.

همانطور که در ترید بوسیله کندلهای پین بار اشاره می شود میتوان در میانه کندل پین بار وارد پوزیشن معکوس شد و حد ضرر را آنسوی پین بار قرار داد و یا منتظر کندل تایید ماند، که در الگوی 2B در واقع از حالت دوم استفاده میشود. البته الگوی 2B شامل حالات گسترده تری نسبت به پین بار میباشد که در آن قیمت یک یا دو کندل در آنسوی کف یا سقف قبلی بسته میشود (شاید به نوعی نکته تمایز بین دو روش 2B و پین بار محسوب میشود) و سپس نمیتواند خود را در آنجا تثبیت کرده و به داخل محدوده قبلی باز میگردد.

نکته بسیار کلیدی اینکه همانطور که در بالا اشاره شد، بعد از ورود به بازار طبق روش ۱-۲-۳ و در نزدیکی اکستریم قبلی به مدت چند کندل صبر کرده و از گذاشتن استاپ در ابتدای ورود خودداری می کنیم، بازار همیشه در عبور از سطوح حساس نیازمند جمع کردن انرژی میباشد و در بیشتر مواقع بازار، خود حساسیت

سطوح و درستی تحلیل های ما را با ایجاد فراکتال ها به ما نشان میدهد و اساس تئوری کی آس، بیل ویلیامز نیز در واقع گرفتن تقلب از خود بازار در شناسایی سطوح حساس بازار می باشد.

عدم برآورده شدن انتظارات بازار در شکست اکستریم قبلی به نوعی باعث افزایش قدرت و سرعت بازار در حرکت به سوی جهت مخالف میگردد و این استراتژی را برای اسکالپ نیز بسیار مناسب میکند.

از تاییدهای این الگو کمتر بودن حجم معاملات در قله یا دره دوم، از حجم در قله یا دره قبلی (واگرایی اندیکاتور حجم) و همچنین واگرایی اندیکاتورهای RSI و MACD می باشد.

جناب بولکوفسکی (Bulkowski) در [سایت](#) خود اشاره دارد که در ۶۵ درصد مواقع الگوی M یا W تایید نمیشوند و قیمت نمیتواند به آنسوی خط گردن رفته و تثبیت شود و در واقع، برای ما که از الگوی ۲B استفاده میکنیم امکان ورود حدود سه برابر افرادی هست که از الگوی کلاسیک دوسقف و دوکف استفاده میکنند.

الگوهای قدیمی M, W که در انتهای روندها تشکیل میشود در واقع دارای نسبت ریسک به ریوارد مناسبی نیستند و بعلاوه اینکه برای یافتن الگوهای ایده آل و انتظار برای تکمیل آنها صبر بالایی نیاز است، اما از روش ۲B ما ب راحتی میتوانیم برای اسکالپ هم استفاده نماییم.



البته کار با استراتژی ۲B گاهی به سادگی آنچه گفته میشود نیست، برای اجتناب از آنچه در شکل مقابل دیده میشود، همانطور که گفته شد باید به شکل گیری کندل ها در محدوده سقف و کف قبلی توجه کرد، هرچند در بدترین حالت بعد از یک بار استاپ خوردن میتوان مانند شکل دوباره وارد پوزیشن شده و سود خود را گرفت.

باید دقت شود که تنها وقتی آنسوی کندل شکست وارد پوزیشن

شد که کندل دارای اندازه نسبتاً بزرگ باشد و با فاصله مناسب در بیرون اکستریم قبلی بسته شده باشد و یا یک یا دو کندل قیمت از آن عبور نکرده باشد.

همانطور که به استحضار دوستان رسید این سیستم دارای روش استاپ گذاری بسیار عالی و مشخص میباشد و حد سود نیز میتواند با اولین حمایت و مقاومت استاتیک یا خطوط روند، چنگال اندروز و .. مشخص شود.

تذکر بسیار مهم: این روش در دسته بندی استراتژی های بازگشتی قرار می گیرد و به همین دلیل باید در محدوده های قیمتی خاص به دنبال این روش بود. (البته ورود ما به هنگام خوردن استاپ ۱-۲-۳، به نوعی استراتژی دنبال کننده روند می باشد) محدوده قیمتی مستعد بازگشت یا PRZ از سطوح حمایت و مقاومت استاتیکی و پیوت های استاندارد و کاماریلا **تایم های بالاتر** و یا همپوشانی سطوح فیبو بدست می آید.

علاوه بر مناطق PRZ، ساختار قیمتی و زمانی و نوع کندل ها در تایم مورد نظر نیز باید مورد توجه قرار گیرد. داشتن تقارن زمانی بین دو اکستریم و ریتریس قابل ملاحظه و شکست خط روند پس از ثبت اولین اکستریم از شرایط ورود بر اساس این استراتژی می باشد.

با توجه به توضیحات فوق مانند هر استراتژی دیگر موقعیت های گرفته شده به این روش نیز میتواند از درجات اعتبار متفاوتی برخوردار باشند. در گروه تریدری که به همت دوستان عزیز در پی ایجاد آن هستیم سعی بر آن خواهد بود که موقعیت های ایده آل تر به اشتراک گذاشته شود.

با توجه به مشخص و دقیق بودن شرایط ورود در پوزیشن، امکان کار گروهی و به اشتراک گذاری سیگنال ها بر اساس این روش وجود داشته و به این صورت با تقسیم کار امکان بررسی بازار در جفت ارز های بیشتر و در تایم های مختلف وجود خواهد داشت.

صمیمانه از دوستان عزیز دعوت میشود در صورت تمایل به شرکت در کار گروهی و یا استفاده از سیگنال های رایگان دیگر دوستان ضمن پیوستن به گروه تلگرامی زیر با ID اینجانب تماس حاصل نمایند.

با امید موفقیت

مهرداد صراف آبان ۱۳۹۵

Channel : @FXTeamWork

<https://telegram.me/Etrader>

[Skype:Mehرداد Sarraf](https://www.skype.com/join/voicechat?from=invite-link&invite-code=Mehرداد_Sarraf)

پیوست: در شکل های زیر اسامی مختلف که گاهی به الگوهای M, W خاص نسبت داده شده است قابل مشاهده است.

در برخی سایت ها سقف و کف، بلندتر و نوک تیز Adam (آدم) و سقف و کف نوک پخ Eve (حوا) نامیده شده است. در الگوهای M, W با توجه به مومنتوم بازار، گاهی اوقات قیمت قبل و یا بعد از شکست خط گردن کمی توقف و تجدید انرژی می نماید که این رفتار میتواند جایگزین پولبک قیمتی شود. در شکل زیر این رفتار قیمتی به اسم دسته (Handle) نامگذاری شده است و ما میتوانیم بعد از شکست Handle وارد بازار شویم.



و یا در صورت داشتن اجزای دیگر گاهی به اسم الگوی دراگون نامیده میشود که البته کمتر به روش ما ارتباط پیدا میکند.

